

Consequences of the Process of Normalization of Arab-Israeli Relations on the Security Environment of the Islamic Republic of Iran (2010-2021)

Mokhtar Zibae

Master Student of International Relations, Razi University, m.zibae1400@gmail.com

Zanire Nasri

Master Student of International Relations, Razi University, zanirenasri@gmail.com

Farzad Rostami*

Assistant Professor Razi University, f.rostami1361@gmail.com

Abstract

Objective: Given the relative and covert reconciliation of Arab-Israeli relations in the past and finally the revelation of this relationship in 2020, it seems that the change in the process of normalization of Arab-Israeli relations will change the regional security equations. Accordingly, the present study seeks to investigate the consequences of the normalization of Arab-Israeli relations on Iran's security environment.

Method: The method used is descriptive-analytical, which seeks to answer the question by applying the theory of regional security complex, what effect has the development of Arab-Israeli relations had on the security environment of the Islamic Republic of Iran?

Findings: The findings show that the development of Arab-Israeli relations and their goals of normalizing relations have major consequences for Iran's regional security environment, such as the disruption of the balance of power structure in the region and the formation of a new regional threat balance process, the non-formation of a stable regime and stable security forces in the region, the growth of radical and extremist groups in the region, the development and expansion of the US presence and influence, and the formation of a post-ISIS order in the absence of Iran.

Conclusion: In addition to creating tangible changes in the security equations of the region structurally, specifically with regard to the goals of mutual development of relations, the process of normalization of Arab-Israeli relations will have new consequences on the security environment of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Iran, Arabs, Israel, Regional Security Complex, Iran Security Environment.

Article Type: Research

* Received on 16 November 2020 Accepted on 6 July, 2021

Cite this article: Zibae, Nasri & Rostami (2021) Consequences of the Process of Normalization of Arab-Israeli Relations on the Security Environment of the Islamic Republic of Iran (2010-2021), Fall 2021, Vol.10, NO.3, 31-62

DOI: 10.30479/psiw.2021.14555.2921

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Farzad Rostami

E-mail: f.rostami1361@gmail.com

پیامدهای فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا.ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۱)

مختار زیبایی

m.zibae1400@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی

زنیره نصری

zanirenasri@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه رازی

فرزاد رستمی

rostami1361@gmail.com استادیار دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

چکیده

هدف: با توجه به مصالحه نسبی و پنهانی روابط اعراب و اسرائیل در گذشته و در نهایت، آشکارسازی این رابطه در سال ۲۰۲۰، به نظر می‌رسد، تحول شکل گرفته در قالب فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل، معادلات امنیت منطقه‌ای را دستخوش تغییراتی نماید. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال بررسی پیامدهای عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ایران است.

روش: روش مورد استفاده، توصیفی - تحلیلی است که با کاربردی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، در پی پاسخ به این سؤال است که توسعه مناسبات اعراب و اسرائیل، چه تأثیر و پیامدی بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد، توسعه مناسبات اعراب، اسرائیل و اهداف آن‌ها از عادی سازی مناسبات، پیامدهایی اساسی بر محیط امنیتی منطقه‌ای ایران؛ چون بر هم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل‌گیری فرآیند موازنه تهدید نوین منطقه‌ای علیه ایران، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در منطقه، رشد گروه‌های رادیکال و افراطی در منطقه، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا و شکل دادن به یک نظم پساداعشی در غیاب ایران داشته است.

نتیجه‌گیری: فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل، علاوه بر آن که تحولاتی ملموس در معادلات امنیتی منطقه به صورت ساختاری ایجاد خواهد کرد، به صورت خاص با توجه به اهداف هر یک از توسعه مناسبات خود با یکدیگر، پیامدهای نوینی بر محیط امنیتی ج.ا.ایران خواهد داشت.

واژگان کلیدی: ایران، اعراب، اسرائیل، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، محیط امنیتی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۴/۱۵

استناد: زیبایی، نصری و رستمی (۱۴۰۰)، پیامدهای فرآیند عادی سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا.ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۱)، پاییز ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۹، ۶۲-۳۱



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

خاورمیانه، در طول تاریخ به دلایل وجود تفاوت‌های هویتی و مذهبی، همواره استعداد منازعه را دارا بوده است. این امر، بارها به شکل منازعات هویتی عرب و عجم یا مذهبی مثل شیعه و سنی، خود را بروز داده است؛ اما وجود تنها دو بلوک قدرت در منطقه که از ارزش‌های مشترکی نیز برای هم‌گرایی برخوردار بوده‌اند، امکان دستیابی به صلح را نیز داشته است. با ورود بازیگران خارجی به خاورمیانه و ایجاد زمینه‌های تنش در این منطقه برای نیل به مقاصد خود؛ از جمله منابع فراوان که در آغازین سال‌های قرن بیستم و جنگ جهانی اول و به تبع آن فروپاشی یکی از بلوک‌های اصلی قدرت در خاورمیانه؛ یعنی امپراطوری عثمانی و همزمان تشکیل دولت - ملت - های جدید با مرزهای مصنوعی حاصل از توافق دول غربی و ایجاد بازیگری نامتناجس به نام اسرائیل، مرزبندی جدیدی در منطقه و به دور از واقعیت‌های موجود و صرفاً با لحاظ منافع قدرت‌های مداخله‌گر شکل گرفت. صلحی که از آن به نام بر باد دهنده همه صلح‌ها یاد می‌شود و این مسأله تا به امروز چالش‌های عدیده‌ای را برای کشورهای منطقه به وجود آورده است.

با مروری بر جنگ‌ها و بحران‌های یک قرن اخیر، می‌توان گفت که خاورمیانه همواره کانون حوادث و بحران‌های خونینی بوده است و از این نظر شاید هیچ منطقه دیگری در جهان به اندازه خاورمیانه با منازعه روبرو نبوده است. به گفته بری بوزان،^۲ «خاورمیانه ساختاری همواره کشمکش‌زا» دارد (به نقل از بری بوزان، ۱۳۸۸)؛ از جمله این بحران‌ها و شاید مهم‌ترین آن، ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری کشور اسرائیل با کمک کشورهای اروپایی و به‌طور مشخص انگلستان با بیانه بالفور در سال ۱۹۱۷ و اعلام موجودیت رسمی در سال ۱۹۴۸ در فلسطین است. این مسأله، با توجه به وجود قبله اول مسلمانان در این سرزمین و آوارگی شمار زیادی از مردم فلسطین، موجب خوشه‌دار شدن هویت اعراب و تبدیل به کشمشی دائمی بین کشور تازه تأسیس اسرائیل و آنان شد که از جمله این منازعات، می‌توان به جنگ در سال‌های ۱۹۶۷، ۱۹۵۷، ۱۹۴۸ و ۱۹۷۳ بین آنان اشاره کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۹۷۹ و آرمان‌های اعلامی آن که از مسأله فلسطین به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف پیش روی انقلاب ایران نام برده می‌شد، اعراب آن را نوعی دخالت در امور داخلی خود دیده و با این ذهنیت که جمهوری اسلامی ایران در پی کسب هژمونی منطقه‌ای است، شروع به موضع‌گیری در مقابل انقلاب ایران نمودند؛ تا جایی که مسأله فلسطین به اولویت دوم آنان تبدیل شد و این مسأله در طول زمان از رویارویی اعراب و اسرائیل به رویارویی اعراب و ایران تبدیل شد و حوادثی نظیر تشکیل حکومت شیعی در عراق در سال ۲۰۰۳ و بهار عربی در سال ۲۰۱۱ آن را تشدید کرد و با توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی در

1. Middle East

2. Barry Buzan

سال ۲۰۱۵ به اوج رسید. اسرائیل که در طول سالیان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دشمنی سرسخت و قاطع را در مقابل خود دیده بود، در صدد شکل‌گیری بلوکی قدرتمند برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بود و در این راستا با کمک کشورهای غربی، پروژه ایران‌هراسی را کلید زد و موفق شد همراهی کشورهای عربی را برای مقابله با دشمن مشترکی به نام ایران بدست آورد؛ همراهی که سال‌ها به صورت پنهانی دنبال و از آن به‌عنوان صلح سرد یاد می‌شد، اما ناکامی‌های پی‌پی غرب و متحدان آن در برابر ایران و حامیانش که به جبهه مقاومت معروف شده‌اند، موجب ایجاد تفکر صلحی گرم و تمام‌عیار بین دشمنان دیروز و متحدان امروز خاورمیانه شده است. این همکاری همه‌جانبه ابتدا به‌صورت علنی توسط کشور امارات اعلام شد و بسیاری دیگر از دول عربی نیز آمادگی خود را برای ایجاد ارتباط رسمی با اسرائیل اعلام کرده‌اند. در همین راستا، توسعه مناسبات اعراب با اسرائیل به‌طور قطع می‌تواند پیامدهای منفی امنیتی برای برخی کشورها از ج.ا. ایران به‌دنبال داشته باشد. در این راستا، مقاله حاضر به‌دنبال بررسی پیامدهای فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا. ایران است. بر همین اساس، با بهره‌گیری از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی، در صدد پاسخ به این سؤال است که توسعه مناسبات اعراب و اسرائیل، چه تأثیر و پیامدهایی بر محیط امنیتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال محوری در چهارچوب پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته، این است که فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر معادلات امنیت منطقه‌ای خاورمیانه به‌طور کلی و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص در حوزه‌هایی؛ مانند بر هم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل‌گیری فرآیند موازنه تهدید نوین منطقه‌ای علیه ایران، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در منطقه، رشد گروه‌های افراطی و رادیکال در منطقه، حضور و نفوذ آمریکا و شکل دادن به یک نظم پساداعشی در غیاب ایران اثرگذار خواهد بود. بنابراین برای پاسخ به سؤال اصلی، به مباحثی، از جمله فراز و فرودهای الگوهای روابط دوستی - دشمنی اعراب و اسرائیل، اهداف هر یک از توسعه مناسبات با یکدیگر، الگوهای دوستی و دشمنی رابطه ایران با اعراب، اسرائیل و سپس پیامدهای عادی‌سازی روابط اسرائیل و اعراب در منطقه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ایران پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

پیرامون موضوع روابط اعراب و اسرائیل و نیز چالش‌های این رابطه برای جمهوری اسلامی ایران؛ از جمله تأثیرات امنیتی آن، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها که بیشترین نزدیکی را با موضوع بحث حاضر دارد، اشاره می‌شود.

اختیاری امیری، رشیدی و سلطانیان (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ائتلاف دوفاکتو عبری - عربی و امنیت ملی ج.ا. ایران»، به‌طور مشخص به بررسی شکل‌گیری رابطه بین اسرائیل و عربستان پرداخته و ضمن ارائه علل و زمینه‌های شکل‌گیری این ائتلاف، به این نتیجه می‌رسند که

وجود تهدید مشترک به نام ایران، زمینه‌های همکاری و نهایتاً ائتلاف را فراهم کرده است. فرجی‌راد و شاملو (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی اهداف و اجرای طرح صلح ترامپ، موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای مقاومت» به واکاوی طرح یاد شده و بازیگران آن پرداخته و ضمن بیان مخاطرات احتمالی این طرح، بر محور مقاومت نتیجه‌گیری می‌کند. این موضوع، باعث تضعیف جریان مقاومت و مهم‌ترین ضلع آن یعنی ج.ا. ایران شده و علاوه بر کاهش نفوذ این کشور در منطقه، به شکل‌گیری ائتلاف محورهای رقیب علیه ج.ا. ایران می‌شود.

همچنین ملکی و محمدزاده (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، با استفاده از نظریه نو واقع‌گرایی که بیان می‌کند، منافع ملی که سمت و سوی حرکات دولت‌ها را تعیین می‌کند و تشریح مناقشه اعراب و اسرائیل بر اساس این نظریه، ضمن بیان تاریخی از روابط پرفراز و نشیب اعراب، اسرائیل و همچنین طرح صلح ترامپ و کشورهای ملحق شده به آن، به این نتیجه می‌رسند که گرچه این توافق موجب کاهش تنش در منطقه و افزایش امنیت اسرائیل می‌شود، اما به حل نهایی مناقشه اسرائیل و فلسطین کمکی نخواهد کرد.

علی آدمی، نازنین نظیفی و عارف بیژن (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل و عربستان سعودی: عصری از همکاری دوجانبه»، این سؤال را مطرح می‌کند که اسرائیل و عربستان چقدر توانستند در موازنه‌سازی علیه ایران موفق عمل کنند؟ در ادامه با استفاده از نظریه موازنه ناقص که ناتوانی یا عدم تمایل دولت‌ها برای تشکیل اتحادیه سدکننده‌ای که موازنه قدرت پیش‌بینی می‌کند، این وضعیت را توضیح می‌دهد و در ادامه ضمن شرح تاریخ و دلایل این همکاری، نتیجه‌گیری می‌کند که به دلیل وضعیت چند قطبی و عدم اطمینان از همکاری کشورهای منطقه، موازنه‌سازی علیه ایران به‌طور کامل محقق نشده است.

بررسی پیشینه پژوهشی پیرامون این موضوع نشان می‌دهد، گرچه پژوهش‌ها و تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است، اما اکثر نویسندگان به شکلی محدود؛ مانند ارتباط عربستان و اسرائیل و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران و یا به‌صورت کلی؛ یعنی رابطه اعراب و اسرائیل و امنیت کشورهای حوزه مقاومت، به این موضوع پرداخته‌اند، اما مقاله حاضر با استفاده از چارچوب نظری تخصصی مرتبط با پژوهش و نگاهی جامع، فرآیند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل را در ارتباط با به‌طور مشخص مرتبط با امنیت ملی ج.ا. ایران بررسی کرده است.

۱- چارچوب نظری: نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

مکتب کپنهاگ، مکتبی فکری است که با انتشار کتاب باری بوزان با عنوان «مردم، دولت‌ها و هراس»، دستور کار امنیت در نظریات امنیتی، وارد مرحله‌ای تازه شد. به گفته بوزان، حوادثی که در اواخر جنگ سرد در نظام بین‌الملل به‌وجود آمده، هم ابعاد جدیدی از امنیت را مطرح کرده است و هم مرجع امنیت از دولت‌ها به سوی جوامع و بازیگران فرادولتی نیز سرایت پیدا کرده

است. وی معتقد است که تحلیل‌های سطح کلان و سطح خرد، نمی‌توانند پاسخگوی تغییرات ایجاد شده در ابعاد و مرجع امنیت باشد. باری بوزان و آلی و یور، در کتاب مشترکشان با عنوان «مناطق و قدرت‌ها» مدعی هستند، امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی و جهانی در تحلیل امنیت متکی بود. بنابراین، آن‌ها سطح منطقه‌ای را به‌عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند. بوزان، نظریه امنیت منطقه‌ای را این‌گونه بیان کرده است: «مجموعه‌ای از واحدها که فرآیندهای عمده امنیتی کردن یا غیرامنیتی کردن آن‌ها تا اندازه‌ای در هم تنیده شده که مسائل و مشکلات امنیتی نمی‌توانند جدا از یکدیگر تحلیل شوند». بنابراین به نظر آن‌ها، امنیت منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد. هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ شده است و هم از گستردگی بیش از حد امنیت اجتناب شده است (سازمند، جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۵-۱۵۴). از جمله کتاب‌های اصلی الی و یور و باری بوزان، «امنیت: چارچوب تازه‌ای برای تحلیل»^۱ است. این نظریه، بر سه مفهوم کلیدی تمرکز دارد: ۱. بخش‌ها ۲. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای^۲ ۳. امنیتی کردن (نظری، ۱۳۹۷: ۷۱). بنابراین، کار باری بوزان در توسعه مطالعات امنیت، اهمیت وافر دارد؛ چرا که عنصر اصلی در کتاب بوزان، وسعت بخشیدن به طرح امنیت بود؛ بدین معنا که به‌جای این که با یک بخش سر و کار داشته باشد، به‌عنوان مثال امنیت نظامی - در پنج بخش آن را مطالعه کرده بود. برای این کار، بوزان امنیت اجتماعی را تحت تأثیر پنج بخش اساسی فرض کرد: نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بوم‌شناختی (طاهری، هاشمیان‌فر، نعمت‌اللهی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). در واقع، این قدرت‌گفتمانی و بینادذهنی امنیت کردن است که بازیگران و موضوعات امنیتی را با هم به صحنه می‌آورد. بازیگران امنیتی‌کننده، کسانی هستند که با ادعای تهدید وجودی برای یک مرجع امنیت و با تکیه بر یک ادعای مشروط برای بقای آن مرجع، مورد «تهدید» فرآیند امنیتی کردن را استارت می‌زنند (بوزان، هانسن، ۱۳۹۹: ۲۹۹-۲۸۹). در یک نگاه کلی، امنیتی ساختن به معنای خروج پدیده‌ها و یا موضوعات از وضعیت عادی به وضعیت فوق‌العاده است. نکته‌ای مهم در جریان امنیتی شدن این است، عملیاتی شدن آن پروسه‌ای سه مرحله‌ای است: نخستین مرحله، تصویرسازی از موضوعی مشخص به‌عنوان «تهدیدی وجودی» برای هدف مرجع است. درحالی که بازیگر امنیتی‌کننده در این مرحله، بازیگر مسلط است. البته در این مرحله، امنیتی شدن به خودی خود انجام نمی‌گیرد. یک موضوع تنها زمانی امنیتی می‌شود که مخاطبان هدف، آن موضوع را فراتر از مرزهای سیاست عادی ببینند. مرحله دوم، امنیتی شدن زمانی تکمیل می‌شود که بازیگران امنیتی‌ساز، مخاطب را متقاعد کنند که هدف مرجع به‌طور جدی تهدید شده است. مرحله سوم امنیتی شدن نیز زمانی است که اقدامات خاصی (برای مثال تحریم، جنگ) برای غلبه بر تهدیدات مشخص شود (نظری، ۱۳۹۷: ۸۹-۸۸). بنابراین، مکتب کپنهاگ

1. Security; A new framework for analysis

2. Total regional security theory

امنیت را بینادذهنی تلقی می‌کند. بدین معنا که موفقیت امنیتی شدن تا حدی به توانایی بازیگر امنیتی‌ساز در شناخت احساسات، نیازها، منافع مخاطب، ایجاد درک و آگاهی مشترک و متقابل میان بازیگر امنیتی‌ساز و مخاطب بستگی دارد (رسول ثانی آبادی، ۱۷۳، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

اگر بخواهیم ویژگی‌ها و ساختار یک نظریه مجموعه امنیتی را خلاصه کنیم، می‌توان به چند ویژگی اشاره کرد:

۱- ساختار آنارشیک

۲- امنیت بینادذهنی

۳- تعارض دیدگاه‌ها بر سر نظام امنیتی

۴- وابستگی متقابل امنیتی

۵- تغییر و تحول مجموعه‌های امنیتی و الگوهای دوستی و دشمنی

۶- رقابت برای کسب برتری منطقه‌ای

۷- بازیگران امنیتی‌ساز

۸- معمای دفاع - امنیت و قدرت - امنیت؛

۹- نفوذ قدرت‌های خارجی با دولت‌های تشکیل دهنده مجموعه امنیتی؛

همه ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، با توجه به درهم تنیدگی آن‌ها در کنار یکدیگر، مهم تلقی می‌شوند؛ مثلاً تغییر الگوهای روابط دوستی، دشمنی و نفوذ قدرت‌های خارجی در کنار یکدیگر به همراه بازیگران امنیت‌ساز در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، می‌تواند مجموعه‌های امنیتی منطقه را بیش از پیش، با ساختار امنیتی پیچیده‌تری و با پیامدهای مثبت و منفی مختلفی مواجه می‌کند.

علت انتخاب چارچوب نظری

بر اساس ویژگی‌ها و ساختار یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای که در بالا اشاره شد، منطقه خاورمیانه را به‌خوبی می‌توان یک مجموعه امنیتی کامل دانست که همه آن ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی که برای یک مجموعه امنیتی متصور هست را در خود دارد. از الگوهای دوستی و دشمنی گرفته تا وابستگی متقابل امنیتی منفی، نفوذ و کشمکش بر سر کسب قدرت برتر منطقه‌ای، امنیتی‌سازی و معمای امنیت و...؛ چرا که در طول تاریخ خاورمیانه، همواره شاهد بحران‌ها، تعارض دیدگاه‌ها، ناامنی و بی‌ثباتی‌ها در این منطقه بوده‌ایم و خواهیم بود. در واقع، هر اقدامی از سوی هر یک از بازیگران مؤثر امنیتی‌ساز در منطقه خاورمیانه، در راستای افزایش قدرت و نفوذ خود و توسعه روابط با سایر کشورها، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ناامنی دیگر بازیگران مهم را در منطقه رقم می‌زند. از جمله این روابط، در حال حاضر در خاورمیانه، می‌توان به عادی‌سازی روابط اسرائیل به‌عنوان بازیگری امنیتی‌ساز در منطقه، با کشورهای عربی منطقه اشاره کرد. عادی‌سازی توسعه این روابط و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه، مسلماً امنیت ملی بسیاری از کشورهای مهم منطقه؛

از جمله ایران را مورد تهدید جدی قرار خواهد داد. بنابراین، بهترین نظریه‌ای نوین که می‌تواند نوع الگوهای روابطی که اکنون بین اعراب و اسرائیل وجود دارد را تبیین کند و تأثیراتی را که این توسعه مناسبات بر امنیت ملی ایران در منطقه خواهد گذاشت را بررسی کند، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان است که در ادامه مقاله به صورت کلی و با توجه به ویژگی‌ها و ساختار مجموعه امنیتی منطقه‌ای بخصوص (الگوهای دوستی - دشمنی و اهداف هر یک از توسعه مناسبات و وجود قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ...) سعی خواهد شد، با جمع‌بندی مطالب گفته شده، به سؤال مقاله پاسخ داده شود.

۲- فراز و فرودهای الگوهای روابط دوستی - دشمنی اعراب و اسرائیل

خاورمیانه، همچنان یک مجموعه امنیتی است و امنیتی ماندن امورخاورمیانه، معلول عناصر زیادی است؛ از جمله: پدیده اسرائیل، اعتبار اکونومیک منطقه، گذشته‌گرایی غیرواقعی، آینده‌گرایی فرا واقعی رهبران منطقه، رقابت بر سر کسب قدرت منطقه‌ای و تعارضات ایدئولوژیک (نبوی، ۱۳۸۹: ۲۰). تعریف‌های متعددی از خاورمیانه ارائه شده است، اما مبنای تعریف ما، وابستگی متقابل امنیتی است که پوشش دهنده منطقه‌ای بوده که از مراکش تا ایران گسترش یافته است و شامل دولت‌های عرب به اضافه ایران و اسرائیل است. وجود الگوهای دوستی و دشمنی در آن بسیار پیچیده و چندبعدی است و همواره با الزامات امنیتی کشورها و عملکرد و سیاست خارجی آنان تغییر و تحول پیدا می‌کند (بوزان، ۱۳۸۸: ۹۹). یکی از بارزترین نمونه‌های الگوی دوستی - دشمنی در منطقه را می‌توان در الگوهای روابط اسرائیل و اعراب ملاحظه کرد.

۲-۱. از موجودیت اسرائیل تا آغاز دهه ۱۹۸۰

مشخصه اصلی این دوره، متأثر از جنگ‌های اعراب و اسرائیل و به رسمیت نشناختن اسرائیل است. دولت‌های عربی،^۱ ۴ جنگ رسمی (۱۹۷۳، ۱۹۶۷، ۱۹۵۶، ۱۹۴۸) را برای نابودی اسرائیل و یا وادار کردن او به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی آغاز کردند، اما در هر جنگ با ناکامی مواجه شدند (شهابی، ۱۳۸۶: ۲۱۹). در نهایت، به موجب قطعنامه ۱۹۴۷ سازمان ملل، فلسطین به سه قسمت تقسیم شد: یک دولت یهودی، یک دولت عربی و یک واحد جداگانه تابع حاکمیت بین‌المللی برای شهر بیت‌المقدس؛ اما شورای اتحادیه عرب، آن را نپذیرفت. اگرچه در ژانویه - آوریل ۱۹۴۹ نیز قراردادهای ترک مخاصمه بین اسرائیل و کشورهای عرب همسایه پس از مذاکراتی در جزیره رودس^۲ به امضا رسید، اما به هیچ‌وجه به معنای شناسایی یا پذیرش دولت اسرائیل نبود (برنارد لوئیس، ۱۳۹۶: ۳۷۳-۳۷۱). با گذشت زمان و بعد از ناکامی استراتژی

1. Arab governments

2. Rhodes Island

برخورد نظامی اعراب با اسرائیل، زمینه‌های سازش اعراب با اسرائیل فراهم شد که باعث قرارداد صلح مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ شد.

۲-۲. از آغاز دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

از مشخصات اصلی این دوره نیز مصالحه نسبی و روابط پنهانی است. مذاکرات صلح میان اعراب و اسرائیل، از کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱ و پس از آن، اسلو^۱ در سال ۱۹۹۳ به صلحی فراگیر تغییر پیدا کرده است. در این راستا، روابط اعراب و اسرائیل از سطح جنگ ایدئولوژیک به نوعی رقابت بر سر تعیین شرایط توافقات تقلیل پیدا کرد و رهبران عرب بیش از پیش به این اطمینان رسیدند که می‌توانند به سیاست‌های سازش‌گرایانه در قبال اسرائیل مشروعیت بخشند (شیرازی، قربانی و سیمیر، ۱۳۹۷: ۲۲۸-۲۲۷). اگرچه ترکیب عقب‌نشینی شوروی و جنگ دوم خلیج فارس راه را برای فرآیند صلح هموار کرد، اما در سال ۲۰۰۲ به نظر می‌رسید، با شروع مجدد درگیری‌ها، خصومت شدید طولانی‌مدت، فرآیند صلح به شکست نهایی خود نزدیک شده بود، اما در هر حال، فرآیند صلح دهه ۱۹۹۰، به‌رغم شکست خود چشم‌انداز سیاسی این زیرمجموعه را شاید برای همیشه عوض کرد (بوزان، ۱۳۸۸: ۱۰۲). طبق توافقی نانوشته، قرار بر این بود کشورهای عرب تا زمان عقب‌نشینی اسرائیل، از سرزمین‌های اشغالی جنگ ۱۹۶۷ و تشکیل کشور مستقل فلسطینی، رابطه‌ای رسمی با تل‌آویو برقرار نکنند. دونالد ترامپ،^۳ رئیس جمهور سابق آمریکا، اما با ارائه طرح صلح موسوم به «معامله قرن»، این معادله را به‌کلی معکوس کرد. ترامپ، با پیشنهاد الحاق حدود ۳۰ درصد از خاک کرانه باختری، از جمله تمام شهر بیت‌المقدس به اسرائیل، دولت عبری را در موقعیت چانه‌زنی بی‌سابقه‌ای قرار داد؛ به‌طوری که برخی کشورهای عربی، مطالبه عقب‌نشینی از کرانه باختری در ازای ایجاد رابطه را به توقف طرح الحاق در برابر برقراری ارتباط تقلیل دادند (زیدآبادی، ۱۳۹۹: ۱).

۲-۳. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰

منازعه اعراب و اسرائیل، به‌دلیل الگوهای دوستی - دشمنی؛ چون مسائل تاریخی، اختلافات مرزی و ارضی، اختلافات قومی - مذهبی، تعارضات ایدئولوژیکی و دخالت قدرت‌های بزرگ، به کل منطقه نفوذ کرده و به پویای تعریف‌کننده مجموعه امنیتی تبدیل شده است. اگرچه برای چند دهه جنگ اعراب - اسرائیل، گسل ژئوپلیتیکی اصلی در خاورمیانه به حساب می‌آمد، اما در سال‌های اخیر با توجه به عادی‌سازی و آشکارسازی روابط کشورهای عرب با اسرائیل و تعریف جدید آن‌ها از امنیت ملی خود، دیگر نمی‌توان این مسأله را به‌عنوان بحران اصلی در خاورمیانه دانست، اما کماکان این مسأله تأثیرات عمیقی بر دیگر حوزه‌ها گذاشته و باعث تشدید

1. Madrid Peace Conference

2. Eslo

3. Donald Trump

جنگ سرد معاصری شده که از زمان بهار عربی، این منطقه را درگیر ساخته است (جیسون پک، ۱۳۹۹). بعد از توافق مصر و اردن، امارات و بحرین از دیگر کشورهای هستند که بنا به دلایلی در سال ۲۰۲۰، بنا به طرح آمریکا، اسرائیل را به رسمیت شناخته و روابط دیپلماتیک عادی و رسمی خود را در زمینه‌های توریسم، امنیت، فرهنگ، بهداشت، انرژی و غیره آغاز کرده‌اند. بعضی از کشورهای عربی چون عربستان نیز به‌طور پنهانی از این توافقات حمایت می‌کردند؛ مثل حمایت از بحرین که بعدها زمینه برقراری روابط با اسرائیل برای این کشور آسان‌تر شود (www.khabaronline.ir/news). به نظر می‌رسد، کشورهای عربی منطقه، به میزان متفاوتی اصلاحات در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی را پذیرفته‌اند. همین امر می‌تواند موازنه امنیتی و نظامی را در منطقه تغییر دهد و به بازتولید تهدید و ناامنی در آینده منجر شود (ر.ک. نبوی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). بنابراین، روابط اسرائیل و کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، اگرچه طی سال‌های گذشته تحت تأثیر عواملی در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روند نزولی داشت، اما از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ به دلایل و اهدافی که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم، این روابط سیر صعودی خود را طی کرده است و به عادی‌سازی روابط منجر شده است.

۳- اهداف اسرائیل از توسعه مناسبات با اعراب

۳-۱. مهار ایران

اسرائیل، به لحاظ موقعیت و وضعیت خاص خود بویژه فقدان عمق استراتژیک و آسیب‌پذیری ناشی از تهدیدات امنیتی، برتری نظامی بر سایر کشورهای منطقه داشت که با اتکای آن می‌توانست خواسته‌ها و اهداف خود را تأمین کند (شادمانی، یزدانی، بصیری، ۱۳۹۷: ۴). اسرائیل، همواره دولت جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۲). برای تحقق این امر، اسرائیل در ابتدا هرچند با ماهیت فقط سیاسی، با برخی از کشورهای عربی؛ از جمله مصر، اردن و برخی گروه‌های فلسطینی، پیمان صلح امضا کرد و در ادامه به‌صورت پنهانی با اکثریت کشورهای عربی وارد فاز تنش‌زدایی شد، اما وجود حوادثی در دهه‌های ابتدایی قرن جدید؛ از جمله تشکیل هلال شیعی در منطقه توسط ایران، توافق ایران با قدرت‌های جهانی برای فعالیت‌های هسته‌ای و غیره، این مذاکرات را به سمت علنی شدن و همه‌جانبه شدن سوق داد؛ به‌طوری که از آن به‌عنوان انقلاب در روابط اسرائیل و اعراب یاد می‌شود. رابطه‌ای که به اسرائیل کمک می‌کند، با کمک کشورهای عربی همسایه ایران برای مهار کاملش اقدام کند.

۳-۲. غلبه بر مشکلات داخلی

اسرائیل از بدو تأسیس تا به امروز، با مشکلات و بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مواجه بوده است. وجود این بحران‌ها در ادوار گوناگون، هرکدام به نوعی تأثیر

منفی بر روی جامعه اسرائیل گذاشته‌اند. بنابراین تحت تأثیر این بحران‌ها، شاهد نارضایتی اقتصادی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه اسرائیل در سال‌های اخیر بوده‌ایم. سیاست‌های نظامی - امنیتی، (مانند افزایش بودجه دفاعی)، اختلافات در عرصه سیاسی در سال‌های اخیر، همواره گریبان‌گیر اسرائیل بوده است؛ به شکلی که حجم تهدیدات داخلی، بیشتر از تهدیدات خارجی عنوان می‌شود. در چنین شرایطی، سران اسرائیل برای فرار از بحران سعی کرده‌اند، با منحرف کردن افکار عمومی به سمت مسائل خارجی بویژه تهدیدات ایران و بهبود روابط با کشورهای عربی، این احساس را تلقین کنند که اسرائیل دیگر دشمن درجه یک اعراب نیست و روابط خوبی با همسایگان مجاور دارد. این موضوع می‌تواند علاوه بر سرپوشی بر ناکامی‌های داخلی و با بهره‌گیری از منابع مالی اعراب، بخشی از هزینه‌های نظامی خود را کاهش دهد (اختیاری، رشیدی، سلطانیان، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

۳-۳. استفاده از شکاف موجود میان کشورهای اسلامی

اسرائیل که همواره تمام کشورهای اسلامی را به‌عنوان دشمن تلقی کرده، سعی در تخلیه این کشورها، از تمامی وزنه‌های استراتژیک این کشورها داشته است و سعی می‌کند این کشورها را در مقابل یکدیگر قرار دهد. به همین منظور، با استفاده از بحران‌های موجود در امور داخلی و همچنین میان کشورهای اسلامی، می‌خواهد این روند را تسریع کند؛ مثلاً طی چند سال گذشته و بویژه بعد از بحران سوریه و شکل‌گیری بحران قطر، شکاف جدیدی در میان کشورهای اسلامی به وجود آمد که صف‌آرایی کشورها میان یکدیگر و دو قطبی شدن آنان، این فرصت را برای اسرائیل فراهم نموده است که از ضعف موجود استفاده کرده و با توسعه روابط با آنان، ضمن تضعیف ایدئولوژی ضد صهیونیستی و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های این رژیم، عرصه درگیری را به میان جوامع اسلامی منتقل کند (نجات، ۱۳۹۷: ۳).

۳-۴. افزایش فشار بر گروه‌های فلسطینی بویژه حماس برای تسریع فرآیند صلح

حماس، به‌عنوان یک جنبش اسلام‌گرا و دشمن نزدیک اسرائیل، در سال‌های اخیر همواره به‌عنوان مانع اصلی در توسعه طلبی اسرائیل در فلسطین عمل کرده است (ایوب، ۱۳۹۶: ۳۶). اسرائیل در سال‌های اخیر سعی کرده است، مذاکرات مستقیم با گروه‌های فلسطینی از جمله حماس را در دستور کار قرار دهد، اما به دلیل عدم پیشرفت در این مذاکرات، اکنون توجه خود را معطوف به گسترش روابط با جهان عرب کرده است. سران اسرائیل، سال‌ها استدلال می‌کردند، دستیابی به توافق با گروه‌های فلسطینی، می‌تواند به روابط بهتر با کشورهای عربی منجر شود و اکنون فکر می‌کنند، این روند همچنین می‌تواند در جهت مختلف پیش رود و عادی‌سازی روابط با جهان عرب، می‌تواند به پیشبرد صلح کمک کند. صلح پایدار و با پشتوانه بهتر بین اسرائیل و فلسطین (pilih, 2017:7).

۴- اهداف اعراب از توسعه روابط با اسرائیل

۴-۱. ناکامی‌های متوالی اعراب در برابر اسرائیل و جلب رضایت آمریکا به عنوان مهم‌ترین حامی اسرائیل

همان‌طور که گفته شد، اعراب در ابتدا در جنگ‌هایی که با اسرائیل داشتند، با ناکامی و نرسیدن به اهداف مطلوب مواجه شدند که باعث نوعی سرخوردگی و یأس نظامی در میان اعراب شد (لوئیس، ۱۳۹۶:۳۷۹). علی‌رغم این حدس و گمان که با پایان جنگ سرد، اهمیت اسرائیل برای ایالات متحده از دست خواهد رفت، اما همکاری راهبردی نزدیک‌تر بین آن‌ها بیشتر تقویت شد و در نتیجه جایگاه نسبی کشورهای عربی در تعاملات منطقه‌ای ضعیف‌تر شد. این بدان معناست که کشورهای عربی، بیش از پیش در معرض باج‌خواهی و اجبار به کار کردن، از موضع ضعف با اسرائیل، ترکیه و ایران قرار خواهند گرفت (لیک و مورگان، ۱۳۹۵:۳۸۳). وابستگی دفاعی - امنیتی به همراه ضعف مفرط نظام‌های حاکم در برخی کشورهای عربی، موجب شده این نظام‌ها در هر دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری با بحران مواجه باشند. به دلیل وابستگی به قدرت‌های خارجی بویژه غرب، برای بهبود و ارتقای سطح مدیریت داخلی و حمایت بالای مادی و معنوی غرب از اسرائیل، برای توازن میان این دو مسأله آنچه در دستور کار بسیاری از رژیم‌های محافظه‌کار منطقه قرار گرفت، اسرائیل به مثابه یک بازیگر معارض در سطح منافع حاشیه‌ای است؛ به گونه‌ای که می‌توان نسبت به مذاکره و سازش در خصوص آینده و ساختار منطقه با آن به رایزنی پرداخت (نبوی، ۱۳۸۹:۱۶۴-۱۶۳). در همین راستا، طرح صلح اعراب هرچند از جانب اسرائیل رد شد، اما اعراب به صورت محدود و پنهانی برای بهبود وجه خود نزد کشورهای غربی بویژه آمریکا به سمت تنش‌زدایی حرکت کردند.

۴-۲. جلوگیری از هژمون شدن ایران در منطقه

وجود حوادثی در دهه ابتدایی قرن جدید؛ مانند تشکیل هلال شیعی مورد ادعای اعراب، بار دیگر اعراب را نسبت به ایران بدبین کرد و این ذهنیت، نسبت به ایران در میان آنان پدیدار گشت که ایران به دنبال کسب هژمونی منطقه‌ای و تسلط بر خاورمیانه است. با آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۰ و ضعف و ناتوانی اعراب در مدیریت بحران و ایجاد تحولات جدید در خاورمیانه، بسیاری از تحلیل‌گران یهودی، اسرائیل را پیروز بهار عربی می‌دانستند؛ چرا که به گفته خود مقامات اسرائیلی، کنار گذاشتن اخوان المسلمین در مصر، از قدرت به‌عنوان هم‌پیمان حماس در غزه، بحران در سوریه و تقویت مواضع راهبردی اسرائیل در منطقه، همچنین توافق آمریکا با ایران در زمینه هسته‌ای، خشم عربستان سعودی از این کشور و بیرون ماندن اسرائیل از این جنگ داخلی، این رژیم در پی این اطمینان است که قواعد تغییر دهنده بازی به دست بازیگرانی که اسرائیل را تهدید می‌کنند، نیفتاده است. در نتیجه، پس از بهار عربی بویژه حوادث سوریه، یمن و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، از سوی برخی از اعراب ائتلاف جدیدی با اسرائیل شکل گرفته و موضوع ایران

در کنار برخی مناسبات دوجانبه، دیدارهای محرمانه و غیرعلنی را به دیدارهای علنی تبدیل کرد. بدین ترتیب، اعراب و در رأس آنها عربستان بجای وحدت و همبستگی منطقه‌ای، پس از تحولات و توافق هسته‌ای غرب با ایران، به ائتلاف با بزرگترین دشمن جهان عرب پیوسته که هدف آن مقابله با قدرت و نفوذ ایران است (روحی دهبته، ۱۳۹۵: ۳۰۶، ۱۰۵).

۴-۳. فاصله‌گیری از ایدئولوژی محافظه‌کارانه و هویت دینی

سیاستمداران پیشین عرب که پس از ناکامی‌های متوالی در برابر اسرائیل، همواره رویکرد تدافعی و انزواگرایانه را نسبت به مسائل منطقه از خود نشان داده بودند، با ظهور نسل جدید شاهزادگان؛ از جمله محمد مسلمان و محمد بن زاید و مقامات سلطنتی، در حال حاضر چهره منطقه خلیج فارس را تغییر داده‌اند. تغییر نسلی که موجب توجه بیشتر به بهبود اداره عمومی و تکیه بر مشاوران تکنوکرات شد که این امر، علاوه بر چرخش به سوی سیاست‌های ملی‌گرایانه‌تر، معرف برنامه‌های جهانی جاه‌طلبانه نیز هست؛ زیرا این نسل جدید، به دنبال بهره‌برداری از پول نفت در بسترهای گسترده و ایفای نقش قدرتمندتر در سیاست‌های منطقه‌ای و همچنین اقتصاد منطقه‌ای و جهانی هستند (اسمیت دیون، ۱۳۹۷: ۲۷).

۴-۴. افزایش مراودات اقتصادی و استفاده از بازار فناوری اسرائیل

به‌رغم خودداری اسرائیل از اجرای اصلاحات مورد نظر ابتکار صلح اعراب، عادی‌سازی روابط در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، ورزشی و غیره جریان داشته و این امر بخصوص در زمینه اقتصادی و تجارت در سال‌های اخیر، رشد چشمگیری داشته است. به‌گفت مقامات اسرائیلی و بر اساس داده‌های مرکز آمار این رژیم، صادرات و خدمات اسرائیل به کشورهای (MENA) کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا) در سال، حدود هفت میلیارد دلار برآورد می‌شود که از این مقدار، بیش از یک میلیارد دلار مربوط به کشورهای عربی خلیج فارس است. همچنین می‌توان به واردات برق از کشورهای عربی از سوی اسرائیل و همچنین صادرات گاز به این کشورها؛ از جمله مصر و همکاری با این کشور در ایجاد مجمع کاری شرق مدیترانه از سوی اسرائیل اشاره کرد. از نظر اطلاعاتی و امنیتی نیز همکاری گسترده‌ای در سال‌های اخیر بین کشورهای عربی و اسرائیل ایجاد شده است. به‌عنوان نمونه، کشورهای عربی مانند عربستان که در سال ۲۰۱۲ و در پی حمله و یروس شامون به آرامکو که تولید نفت عربستان را مختل و متوقف کرد، از گروهی از شرکت‌های امنیت بین‌المللی سایبری؛ از جمله یک شرکت اسرائیلی استفاده کرد (۶-۵: ۲۰۱۷، ACRPC). مراودات اقتصادی، با بازار متنوع اسرائیل نیز عاملی در جهت کمک به اقتصاد تک‌محصولی و ضعیف شده آنان بویژه پس از بحران ناشی از اپیدمی کرونا و کاهش شدید درآمدهای گردشگری در این کشورها و همچنین لغو مراسم حج در عربستان سعودی است. همچنین کشورهای عربی پس از بحران کرونا، همکاری‌های پزشکی با اسرائیل داشته‌اند که از

جمله آن می‌توان به همکاری امارات و اسرائیل، برای مهار این بحران اشاره کرد. (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹).

۴-۵. فائق آمدن بر مشکلات داخلی و بین‌المللی

کشورهای عربی، به دلیل نوع سیستم حاکمیتی موجود، همواره از سوی محافل داخلی و بین‌المللی مورد انتقاد بوده‌اند. این امر، بویژه پس از بهار عربی و نوع برخورد این کشورها با معترضان و سرکوب شدید آنها؛ از جمله در عربستان سعودی و بحرین، موجب تشدید و ناراضی‌های داخلی و بین‌المللی گردید. پس از آن، مواردی مانند حمله همه‌جانبه گروهی از کشورهای عربی به یمن، ایجاد فجایع انسانی در این کشور و قتل جمال خاشقچی،^۱ روزنامه‌نگار منتقد حکومت سعودی در کنسولگری این کشور در ترکیه، موجب تخریب وجهه سران این کشورها در داخل و خارج گردید؛ به طوری که مجالس کنگره و سنا در آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی، تحریم‌هایی را علیه این کشورها و مخصوصاً عربستان سعودی اعمال کردند. این امر، در شرایطی انجام می‌شود که محمد بن سلمان،^۲ ولیعهد سعودی، در پی کسب مشروعیت برای جانشینی سلطنت در عربستان است و خروج از این تنگنا، بدون کمک نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل و لابی آیبیک در آمریکا ممکن نبوده است و می‌خواهد از طریق عادی‌سازی روابط با اسرائیل، حمایت کنگره، لابی‌های قدرتمند صهیونیستی در آمریکا، اروپا و سایر کشورها را جذب نماید. در کنار این عوامل، مشکلات داخلی و بین‌المللی در بسیاری از کشورهای عربی؛ مانند تحریم قطر از سوی کشورهای همسایه که آمریکا عادی‌سازی روابط با اسرائیل را شرط کمک به شکستن محاصره عنوان کرده است و همچنین عادی‌سازی روابط با اسرائیل، به شرط خروج نام سودان از لیست کشورهای حامی تروریسم و کمک به اوضاع اقتصاد بحرانی این کشور از سوی آمریکا را می‌توان از دلایل تشدید روند عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل دانست.

۴-۶. ایجاد توازن قوا با سایر قدرت‌های منطقه

در سال‌های اخیر، حفظ دستاوردهای اعراب؛ از جمله عربستان از سوی دیگر کشورهای منطقه مورد تهدید قرار گرفته است؛ به طوری که پس از فاجعه منا در سال ۲۰۱۵، فجایع یمن، محاصره قطر و سپس عدم حمایت از مردم مسلمان کشمیر در برابر هندوهای افراطی، جایگاه عربستان به عنوان متولی حرمین شریفین و میزبان دفتر مرکزی سازمان همکاری اسلامی (OIC)،^۳ به شدت از سوی دیگر کشورها؛ مانند ترکیه، ایران، مالزی و حتی پاکستان به عنوان یکی از شرکای دائمی این کشور خدشه‌دار شده است؛ به طوری که این کشورها، اقدام به برگزاری اجلاس کشورهای اسلامی در مالزی در سال ۲۰۱۹ متفک از سازمان همکاری اسلامی و بدون

1. Jamal Khashugy

2. Muhamad Bin Salman

3. Islamic Cooperation Organization

حضور عربستان سعودی و دیگر اعراب هم‌پیمان مبادرت کردند. این امر، نشان دهنده تضعیف دستاوردهای معنوی عربستان بود و توازن قوای موجود، به ضرر عربستان است. حال این کشور با کمک دیگر کشورهای عربی هم‌پیمان با گسترش روابط با اسرائیل، سعی در حل این موضوع داشته که علاوه بر تشکیل جبهه قدرتمند در مقابل مثلث ترکیه، قطر و ایران، به آن جنبه معنوی داده تا خود را کماکان حامی ارزش‌های اسلامی نشان دهند. علاوه بر این، عربستان سعودی و شرکا، در زمینه‌های مادی نیز از سوی رقیبان به شدت تهدید شده و ضربات سهمگین مالی را متحمل شدند که این امر نیز در گسترش روابط بی‌تأثیر نبوده است.

۴-۷. دستاوردسازی برای ترامپ و جمهوری خواهان برای پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری

از دیدگاه رهبران عرب، توافقات صلح میان کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی اسرائیل، می‌توانست برگ برنده‌ای باشد که به‌عنوان موفقیت‌های ترامپ، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در عرصه سیاست‌های خارجه مطرح شود. با توجه به مشکلات داخلی آمریکا؛ مانند بحران اقتصادی ناشی از کرونا، تظاهرات ضد نژادپرستی و غیره، این مسأله هرچند با توجه به عواقب آن می‌توانست دستاوردهای موقتی برای ترامپ و جمهوری خواهان داشته باشد، اما سرپوشی بر مشکلات داخلی آمریکا بویژه در بخش اقتصاد خواهد بود که می‌توانست به پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری آمریکا کمک کند (پوراسمعیلی، ۱۳۹۹: ۳). هرچند براساس شواهد موجود، با وجود تفاوت در سیاست خارجی دموکرات‌ها و جمهوری خواهان، حمایت آمریکا از اسرائیل ذاتی بوده است، اما توجه ویژه دموکرات‌ها به مسائل حقوق بشری که نقطه‌ضعف این کشورها می‌باشد و در مقابل حمایت‌های بی‌قید و شرط و خارج از عرف دولت ترامپ و جمهوری خواهان از اسرائیل، موجب شده است بسیاری از سران این کشورها از جمله عربستان سعودی، بقای خود را وابسته به بقای ترامپ بدانند؛ مخصوصاً این که توافقات سال‌های گذشته اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۴ در زمان حکومت‌های دموکرات بوده و این امر، می‌توانست با توجه به جایگاه و نفوذ لابی‌های اسرائیل در ایالات متحده، به مستحکم کردن جایگاه و رأی‌آوری مجدد ترامپ و جمهوری خواهان کمک کند.

۵- الگوهای دوستی و دشمنی رابطه ایران با اعراب و اسرائیل در خاورمیانه

یکی از مشکلاتی که خاورمیانه و خلیج فارس از آن رنج می‌برد و باعث شده است، معضل امنیت همچنان در دستور کار اصلی سیاست خارجی کشورهای این منطقه باشد، این است که کشورهای منطقه، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به نظام امنیتی مناسب برای این منطقه دارند؛ مثلاً هریک از سه کشور ایران، عراق (تا پیش از سرنگونی صدام حسین) و عربستان، دستور کارهای خاص خود را برای نظم منطقه‌ای دارند. همین رقابت‌ها و کشمکش‌های منطقه‌ای و تلاش برای

هژمونی منطقه‌ای، منجر به به دور باطلی از اختلاف دیدگاه بین کشورهای منطقه برای نظم مطلوب منطقه‌ای انجامیده است. (سازمند، جوکار، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۶۹).

۵-۱. روابط ایران با اعراب

از لحاظ تاریخی، محیط امنیتی و سیاسی خاورمیانه، همیشه مملو از درگیری و تضاد بوده است. روابط ایران و اعراب نیز از این قاعده مستثنی نیست. روابط ایران با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را به طور خلاصه می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دوره جنگ تحمیلی که بی‌اعتمادی در این دوره حاکم بود. ۲- دوره پس از جنگ تحمیلی، که در زمان ریاست جمهوری رفسنجانی سیاست تعامل گرایانه واقع‌گرایانه ای اتخاذ شد که منجر به بهبود روابط با اعراب و صلح و ثبات در منطقه شد (حافظ‌نیا، ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۷۱). ۳- پس از برگزاری اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی تا دوره کنونی (۲۰۲۰)، با وجود مشروعیت بخشیدن به جایگاه ایران در میان اعراب و افزایش روابط، اکنون با توجه به گفتمان اعتدال به نظر می‌رسد، اگرچه در بعضی زمینه‌ها روابط، بهبود یافته و از تهدیدات کاسته شده، اما شواهد نشان می‌دهد که از سرگیری روابط خصوصاً میان ایران و عربستان با مشکلات و موانعی همراه است. بدین ترتیب، هریک از گفتمان‌های مختلفی که در سیاست خارجی ظهور کردند، به صورت‌های مختلفی سیاست خارجی ایران و عناصر آن را تحت تأثیر قرار دادند؛ به گونه‌ای که دال‌هایی همچون منافع ملی، قدرت و امنیت ملی، هویت ملی نظام بین‌الملل، در بستر هریک از این گفتمان‌ها، معانی متفاوتی یافتند (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷). مشکلات ایران با کشورهای عربی در حال حاضر عبارتند از:

۵-۱-۱. شکاف‌های فرقه‌ای مذهبی (وجود اختلافات)

وجود تحولات پیش آمده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه بعد از سال ۲۰۰۳؛ از جمله تغییر سیستم سیاسی در عراق، تحولات موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی خاورمیانه و خلیج فارس و ... هنوز اختلافات قدیمی و چالش‌های اساسی در خاورمیانه وجود دارد و باقی مانده است. حمله آمریکا به عراق در ماه مارس ۲۰۰۳ و متعاقب آن، سقوط رژیم صدام، ماتریس تضاد در خلیج فارس را گسترش داده است و تعداد قابل توجهی از چالش‌های اساسی را از زمان حمله آمریکا به عراق به لیست چالش‌های قبلی اضافه کرده است که قابل توجه‌ترین آن‌ها گسترش نزاع‌های فرقه‌ای شیعه و سنی در عراق، بعد از سال ۲۰۰۳ و سرایت آن به دیگر کشورهای خلیج فارس، درگیری دیپلماتیک و اطلاعاتی بین ایران و آمریکا در زمینه مسائل مهم؛ از جمله پرونده هسته‌ای و ... با پیامدها و تأثیرات مهم منطقه‌ای برای کشورهای خلیج فارس و رقابت ایران و عربستان در عراق، برای گسترش حوزه نفوذ خود و ... است. (برزگر، ۱۳۸۷: ۴۳-۵). به طور کلی، بعضی از تحلیل‌گران استدلال می‌کنند که شکاف‌های فرقه‌ای - اسلامی، روابط ایران و اعراب را بعد از سال ۲۰۰۳، به طور قابل توجهی خدشه‌دار کرده است.

دیدگاه‌های افکار عمومی ایران و اعراب را نسبت به هم می‌توان نمودی از شکاف‌ها و چالش‌های قدیمی عربی و عجمی و در زمان حاضر در عصر بنیادگرایی دینی در شکاف شیعه و سنی دانست که امروزه هم در جوامع عربی و هم در جامعه ایران می‌توان آن را به‌وضوح مشاهده کرد. تظاهرات مردمی سال ۲۰۱۱-۱۲ در بحرین، شیعه از یک طرف و سوریه سنی از طرف دیگر که در هر دو، اقلیت مذهبی بر اکثریت مذهبی حکومت می‌کنند، نقش عامل فرقه‌ای را در تضادهای تاریخی بین ایران و اعراب افزایش داد. این عامل، طرح‌ریزی منطقه‌ای ایران و عربستان را برای حمایت از شیعه در برابر سنی و سنی در برابر شیعه پیچیده‌تر کرده است و نقش این شکاف را بیش از پیش افزایش داده است. در این بین، ایران خود را به‌عنوان قدرت شیعه، پیشرو در جهان اسلام و نماینده شیعیان می‌بیند و از آن طرف نیز عربستان خود را به‌عنوان مدافع مسلمانان سنی‌مذهب منطقه می‌داند. سه مورد مهمی که به شکاف مذهبی بین ایران و عربستان دامن می‌زند و آن‌ها را از هم جدا می‌کند، عبارتند از: عراق، بحرین، لبنان. اخیراً نیز سوریه به این سه مورد اضافه شده است (بیدالله‌خانی، کلمرزدی، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

۵-۱-۲. تنش‌های ارضی (با برخی کشورهای عربی) در خلیج فارس

ایران و اعراب، دارای تاریخی طولانی از مناقشات ارضی می‌باشند که تنها بخشی از چالش‌های بین آن‌ها است. از مناقشات طولانی ارضی، مسأله اروند رود (شط العرب)، بین ایران و عراق بوده است که پیمان ۱۹۷۵ الجزایر به توافق طرفین در این زمینه منجر شد. در آستانه حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۰، صدام حسین به‌طور یک‌جانبه، پیمان بغداد را لغو کرد، اما بعد از پایان جنگ، دوباره تصمیم به پذیرش پیمان بغداد گرفت. همچنین ایران و امارات، بر سر جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی همیشه درگیر بوده‌اند. تنش‌های ارضی نیز بین ایران و کشورهای عربی، سابقه طولانی داشته است. مسأله بحرین، از جمله موارد تنش‌های ارضی و سیاسی بین اعراب و ایران می‌باشد. اگرچه تا به حال، ایران به‌طور رسمی ادعا نکرده است که بحرین جزئی از قلمرو این کشور است، اما وجود اکثریتی از جمعیت شیعی که تحت سیاست‌های تبعیض‌آمیز رژیم سنی آل‌خلیفه زندگی می‌کنند و سرکوب این جمعیت، با کمک عربستان سعودی توسط دولت بحرین، ایران را نسبت به این مسأله حساس کرده است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر، تنش میان ایران و این کشور افزایش یافته است؛ چرا که در مواقعی اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی در مورد این که بحرین، استان چهاردهم ایران است و یا ایران به‌زودی بحرین را پس خواهد گرفت، باعث قطع کوتاه‌مدت روابط دیپلماتیک و احضار سفرا شده است.

۵-۱-۳. چالش برنامه هسته‌ای ایران

برنامه هسته‌ای ایران، یکی دیگر از موارد اختلاف بین ایران و اعراب است. این برنامه، اصولاً جنگ بین ایران و آمریکا و متحد اصلی آمریکا در خاورمیانه یعنی اسرائیل است. در واقع، این متغیر به‌عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد تنش بین ایران و آمریکا در سال‌های اخیر بوده است. دستیابی

به توافقی دوجانبه در این مورد، علاوه بر این که می‌تواند روابط ایران و آمریکا را بهبود بخشد، به همان سان نیز می‌تواند بر روابط ایران و اعراب بخصوص عربستان تأثیرگذار باشد و به کاهش تنش منجر شود. عربستان سعودی و کشورهای دیگر خلیج فارس نیز همیشه نگران دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بوده‌اند. درواقع، دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، نمودی از رقابت سنتی ایران و عربستان را نیز به نمایش می‌گذارد. اسرائیل هسته‌ای، یکی را انتخاب کند؛ کشورهای عربی نه تنها نمی‌خواهند اسرائیل تنها قدرت هسته‌ای منطقه باشد، بلکه آن‌ها همچنین نمی‌خواهند ایران نیز به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای چالش برانگیز در خاورمیانه باشد.

برداشت‌های متفاوت ایران و اعراب، از چشم‌اندازهای امنیت در منطقه خلیج فارس، پرونده هسته‌ای ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این دیدگاه، دارای دو وجه قابل توجه توجیهی است که ایران همچنان در مرکز امنیت خلیج فارس است و نقش نگهبان امنیتی را در این منطقه بر عهده دارد و امنیت این منطقه، با امنیت داخلی آن تفاوتی ندارد و امنیت خلیج فارس نیز امنیت ایران محسوب می‌شود. این اصل را باید هم کشورهای درون منطقه‌ای و هم قدرت‌های خارجی بپذیرند. این برداشت، از ایران به‌عنوان یک تهدید برای این کشورها مجموعه‌ای از عوامل؛ از جمله عوامل ژئوپلیتیکی مانند اندازه ارضی ایران، جمعیت گسترده و قدرتمند، قدرت نظامی هراسناک با پشتوانه موشک‌های دوربرد و عزم ایرانیان برای بدست آوردن یک موقعیت هژمونیک در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نشأت گرفته است. مجموع این عوامل باعث شده است تا رهبران کشورهای عرب خلیج فارس، برای مقابله با تهدید و نفوذ ایران، به‌دنبال روابط نظامی و سیاسی با ایالات متحده باشند (بیدالله خانی، کلمرزی، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۵۶).

۵-۲. روابط ایران و اسرائیل در خاورمیانه

روابط ایران و اسرائیل، از ابتدای تأسیس این رژیم تاکنون، با فراز و نشیب‌های بسیاری؛ چه در دوران پهلوی و قبل از انقلاب اسلامی ایران و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همراه بوده است. در دوران حکومت پهلوی با وجود مخالفت‌های گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه، روابط ایران و اسرائیل بر مبنای همکاری بخصوص در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی قرار داشت. این دوره حساس، کم و بیش به‌صورت پنهانی، حدود ۳۰ سال دوام آورد (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱).

اگرچه موضوع روابط خصمانه میان ایران و اسرائیل، پس از انقلاب اسلامی پدیده‌ای تازه نیست، اما به دلایلی چند برای دوره نسبتاً طولانی به‌رغم موضع‌گیری‌های رسمی و غیررسمی مسئولان ایران، مبنی بر عدم مشروعیت و نفی وجود اسرائیل، ایران تا سال‌ها در رده نخست تهدیدات اسرائیل نبوده است؛ از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نبود مرز مشترک میان ایران و اسرائیل، نبود ظرفیت حمایت از ایران در مجموعه کشورهای همجوار با اسرائیل، سطح پایین تهاجمی نیروهای مسلح ایران بویژه نیروی هوایی و هوایر، به دلیل آسیب‌های جنگ طولانی با عراق. اما وقوع حوادثی موجب شد تا شرایط جدیدی بر روابط دو کشور

حاکم گردد؛ شرایطی که سایه جنگ و یک رویارویی نظامی هرچند محدود بر آن سنگینی می‌کرد. ایران، اکنون در حلقه تهدیدات اسرائیل قرار گرفته است؛ چرا که سازش اعراب و تلاش‌های جهان عرب، برای کاهش تنش با اسرائیل موجب شده تا سناریوی درگیری اسرائیل و ایران، از سوی برخی تحلیل‌گران جدی باشد. دستیابی ایران به مجموعه‌ای از تسلیحات بویژه موشک‌های میانبرد، گاه توان انجام عملیاتی علیه اسرائیل را به این کشور می‌داد. در کنار هراس اسرائیل از پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، موجب پدیداری نگرانی‌های امنیتی جدی در اسرائیل از افزایش قدرت ایران شده است؛ اسرائیل نیز در واکنش به این نگرانی، اقداماتی را انجام داده که به صورت مستقیم و غیرمستقیم، تهدیداتی علیه ایران به وجود آورده است (زاده علی، ۱۳۸۸: ۶۸).

۵-۳. خصومت و تهدیدات ایران و اسرائیل

در کنار نگرانی‌های اسرائیل و ایران در رابطه با توان مؤثر هر یک در زمینه‌های توان موشکی، توان هوایی و پدافند هوایی و موشکی، می‌توان به خصومت و تهدیدات ایران و اسرائیل علیه یکدیگر اشاره کرد. خصومت ایران و رژیم صهیونیستی، به ماهیت مذهبی نظام جمهوری اسلامی ایران، موضع‌گیری‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، نسبت به اسرائیل در سه زمینه حمایت از گروه‌های ضداسرائیلی در خاورمیانه و به‌طور مشخص، گروه‌های فلسطینی و لبنانی درگیر با اسرائیل، مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل و سردمداری حرکت‌های ضد اسرائیلی در صحنه بین‌المللی برمی‌گردد. تهدیدات ایران علیه اسرائیل و تهدیدات اسرائیل علیه ایران نیز شامل؛ تشدید حملات لفظی علیه اسرائیل، تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی کشور، باز کردن پرونده لوکاست، عقد پیمان‌های دفاعی با سوریه و حمایت مستمر از این کشور، تقویت همه‌جانبه مخالفان فلسطینی، اخلال در روند صلح خاورمیانه و حمایت از مخالفان یهودی و غیریهودی ضد صهیونیستی و ... در نهایت، تهدیدهای سیاسی و امنیتی اسرائیل که سعی می‌کند، ایران را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی سازد و تهدیدات اقتصادی با اهداف سلطه‌جویانه اقتصادی می‌شود. بنابراین، با توجه به توان‌های مؤثر، خصومت‌ها و تهدیدات نوین میان ایران و اسرائیل، منطقه خاورمیانه همچنان برای هردو عرصه رقابت و تشدید اختلاف‌ها خواهد بود (شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۲-۱۱).

۶- پیامدهای عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل در منطقه و تأثیر آن بر محیط امنیتی ایران

با توجه به مباحث مطرح شده و سیاست‌های خارجی و داخلی هریک از سه بازیگر مهم و تأثیرگذار (ایران، اسرائیل و اعراب) و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون (آمریکا) در منطقه و همچنین با توجه به مؤلفه‌های اصلی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مکتب کپنهاگ از پیامدها به صورت کلی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۶-۱. عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه، در سال‌های اخیر در معرض تغییر و تحولات بنیادین بوده است؛ به گونه‌ای که این تحولات، موجب تغییر نظام امنیتی و توازن قوا، ایجاد الگوی تخصیصی و رقابت در خاورمیانه شده است. در همین راستا، ایجاد یک رژیم امنیتی مبتنی بر همکاری همه‌جانبه کشورهای منطقه می‌تواند این وضعیت را تغییر داده و در نهایت به ایجاد صلح در منطقه منجر شود؛ هرچند که در شرایط کنونی، این همکاری بعید به نظر می‌رسد (اسدی، ۱۳۹۹: ۳-۱). در این میان، کشور ایران به علت ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکومونیکسی خود و همچنین اهداف و آرمان‌های جهانی، با وجود کارشکنی‌های کشورهای منطقه، در ایجاد یک رژیم و ترتیبات امنیتی درون منطقه‌ای و گره زدن امنیت خود به کشورهای فرامنطقه‌ای و فراهم کردن زمینه دخالت آنان در ترتیبات امنیتی منطقه که به عنوان یکی از موانع اصلی تشکیل رژیم امنیتی پایدار منطقه‌ای مطرح شده است، ایران همواره از تشکیل یک رژیم امنیتی پایدار در چارچوب مشخص و در راستای منافع دول منطقه حمایت کرده است. برای تحقق این امر، کشور ایران با ارائه طرح‌های مختلف، سعی در اعتمادسازی این کشور را نسبت به خود و کمک به حل منازعات در منطقه کرده است که می‌توان به جدیدترین مورد آن؛ یعنی طرح صلح هرگز اشاره کرد که دربرگیرنده امنیتی پایدار و جمعی برای تمام کشورهای منطقه و ایجاد زمینه‌های همکاری و کاهش منازعات مذهبی و فرقه‌ای می‌باشد، اما اقدامات انجام شده ایران به دلیل موج ایران‌هراسی فزاینده از سوی برخی کشورها مانند آمریکا و اسرائیل، همواره با ناکامی مواجه شده است. اکنون با حضور مستقیم این رژیم در ترتیبات امنیت منطقه و ایجاد یک شکاف عمیق‌تر در روابط این کشورها، تحقق رؤیای دیرینه ایران برای ایجاد رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار برای مقابله با دشمنان خارجی و منطقه‌ای جهان اسلام و بخصوص رژیم صهیونیستی دست‌نیافتنی‌تر شده است.

۶-۲. رشد گروه‌های افراطی و رادیکال در منطقه

عواملی که در سال‌های اخیر، زمینه را برای رشد ضربات زیاد امنیتی در کشورهایی مانند عراق، سوریه و حتی ایران داشته است، گروه‌های افراطی مانند القاعده، داعش و غیره است. گروه‌های رادیکال و افراطی که از سوی بسیاری از کشورهای عربی با حمایت مالی و از طرف دیگر کمک نظامی و لجستیکی اسرائیل و حامیان فرامنطقه‌ای آن مانند آمریکا و به بهانه مقابله با هژمونی ایران در منطقه و گروه‌های مقاومت حامی آن ایجاد شده‌اند. این گروه‌ها، با ایجاد اولین خلأ امنیتی، خسارات فراوانی را بر این کشورها و ایران تحمیل کردند. اکنون با چند قطبی شدن منطقه و رشد فزاینده اختلافات ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش عادی‌سازی رابطه با اسرائیل، مسلماً این گروه‌ها، بعد از ضربات سختی که در سالیان اخیر بر آنان از سوی جریان مقاومت و برخی دیگر از کشورها وارد شده، فرصت مناسبی برای تجدید قوا و رشد دوباره خواهند داشت. از طرفی، بسیاری از گروه‌های بنیادگرای اسلامی که در پی ایجاد فرصتی برای ضربه زدن و

نابودی این رژیم بوده‌اند، با عادی شدن رابطه بسیاری از کشورهای عربی با اسرائیل، فعالیت خود را دوچندان خواهد کرد. بنابراین، ما شاهد دو نوع رشد متضاد و متقابل حضور بیشتر آن در منطقه، قطعاً گروه‌های افراطی و رادیکال در منطقه خواهیم بود و باعث خواهد شد، منطقه خاورمیانه که در سالیان اخیر پیوسته ناآرام و پر آشوب بوده است، در سال‌های آتی نیز چشم‌انداز امنیتی مناسبی را قابل تصور نباشد و این امر بخصوص برای ایران که در کانون درگیری‌های خاورمیانه است، بار امنیتی گسترده‌ای چه در سطح ملی و چه منطقه‌ای را به‌همراه خواهد داشت.

۳-۶. توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه

امنیت در خاورمیانه بسیار شکننده است. به‌واسطه درهم تنیدگی مسائل خاورمیانه، بحران‌هایی که در گوشه‌ای از منطقه ظهور کرده، کل منطقه فرا می‌گیرد. از بدو ورود آمریکا به خاورمیانه تاکنون، امنیت منطقه‌ای در قالب الگوی رئالیستی موازنه قوا قابل بررسی است (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۱۰). عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل، تا حدودی بر معادلات منطقه تأثیر گذاشته و حضور و نفوذ آمریکا را در منطقه را افزایش داده است. آمریکا، اکنون با رویکردی جدید و یک‌جانبه‌گرایی، سعی دارد با فراخواندن اعراب به سوی اتحاد با اسرائیل، برای مقابله با ایران و متحدان منطقه‌ای آن، خلأ قدرت خود را در منطقه جبران کند و با یک سلسله اقدامات تبلیغاتی و استفاده ابزاری، دستاورد مطمئنی برای سیاست خارجی خود پیدا کند. با توجه به سطح چهارم نظریه بوزان و حالت پوششی منطقه که به نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای توجه دارد، اکنون آمریکا در منطقه خاورمیانه همواره با سیاست خارجی‌های متناقض، نقش مهمی در مثلث منازعه ایران و رژیم صهیونیستی دارد. آمریکا، با استفاده از کشورهای متحد خود؛ همچون اسرائیل و کشورهای عربی منطقه، با یک صف‌بندی امنیتی جدید، تلاش گسترده‌ای در جهت اعمال فشار به ایران و در کنار آن، دامن زدن به موج ایران‌هراسی به عمل آورده است و به اعراب تلقین می‌کند که مسأله ایران، مهم‌ترین مسأله برای آن‌ها است و فلسطین باید از اولویت خارج شود (ر.ک. رفیع، ۱۳۹۹: ۲). سیاست خارجی ایالات متحده، در دوره دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، با یک رویکرد صلح قدرت‌مآبانه و به‌عنوان یک بازیگر امنیتی‌ساز، درصدد بازخوانی حضور ایالات متحده و منافع این کشور در منطقه پراهمیت خاورمیانه است. ایالات متحده، در این وهله زمانی، برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تأمین منافع خود، راهی جز حضور فعال در خاورمیانه ندارد. در نتیجه حضور آمریکا در منطقه، مشهودتر و اثرگذارتر از همیشه می‌شود و ممکن است معادلات امنیت در خاورمیانه را تغییر و یا به چالش بکشد.

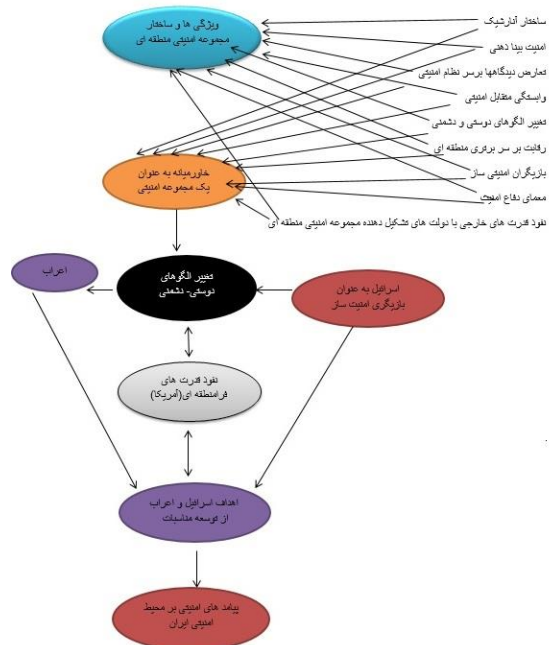
۴-۶. شکل‌گیری نظم پسا داعش در خاورمیانه توسط آمریکا

شکست داعش، گرچه به ظاهر چالش از بین رفتن نظم منطقه‌ای را از بین برده است، اما پایه‌های فکری آن مانند خشونت درون تمدنی و پررنگ شدن خطر ایران شیعی، همچنان باقی است و مهم‌تر از آن، نیز ظهور بازیگران غیردولتی در عصر پساداعش است. بازیگرانی که با طرح ادعای هویتی جدید، خواهان نقش فرادولتی در کشورهای خود شده‌اند، از جمله آن‌ها می‌توان به تشکیل اقلیم کردستان سوریه، تلاش برای تشکیل اقلیم سنی در عراق و همچنین به شکل افراطی‌تر برگزاری رفراندوم تبدیل اقلیم کردستان عراق به کشور کردستان در فضای به وجود آمده از نظم پساداعش در منطقه است. امری که نمی‌تواند برای آمریکا که همواره در سال‌های اخیر در تدارک ساخت یک نظم جدید در منطقه که خاورمیانه بزرگ یا جدید نامیده می‌شود، نادیده گرفته شود. در این زمینه، می‌توان به سخنان کالین پاول، از وزرای سابق خارجه آمریکا اشاره کرد که می‌گوید: «مهم‌ترین چیز این است که اصلاحات از درون بجوشد، اصلاحات را نمی‌توان از بیرون تحمیل کرد» (طباطبایی، عطارد، ۱۳۹۷: ۱۰). بنابراین اختلافات درون‌دینی، به‌عنوان میراث داعش در مقابل نظم انقلابی و اسلامی ج.ا. ایران که همواره از اتحاد جهان اسلام دفاع می‌کند و همچنین ظهور بازیگران غیردولتی با هویتی جدید در کشورهایی که به‌عنوان حلقه اتصال جریان مقاومت از آن‌ها یاد می‌شود؛ چه به صورت نرم و چه به صورت سخت، بر امنیت ملی ج.ا. ایران مؤثر واقع خواهد شد. امری که تقویت ارتباط بین اعراب و اسرائیل به‌عنوان موازنه‌ای در جهت تضعیف جریان مقاومت، آن را برای آمریکا قابل دسترس‌تر خواهد کرد.

۴-۵. برهم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل‌گیری فرایند موازنه تهدید نوین منطقه‌ای

باری یوزان معتقد است؛ عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی - دشمنی بین دولت‌ها است. الگوهای دوستی - دشمنی می‌توانند با تغییر و تحول خود، توازن قوا در منطقه را تغییر دهند؛ مثل الگوهای دوستی - دشمنی بین اعراب، اسرائیل و ایران. تا زمانی که هریک از این بازیگران، در صدد کسب برتری در منطقه باشند و نگرش‌ها و راهبردهای امنیتی خود از تهدید را در مورد یکدیگر اصلاح نکنند، نمی‌توان امید به همکاری و صلح داشت و رقابت همچنان تشدید و منجر به موازنه منفی علیه یکدیگر می‌شود؛ چون راهبردهای موازنه‌گری یک دولت بر مبنای نوع و برداشتهای ذهنی از تهدید رقیب شکل می‌گیرد. اکنون اسرائیل به‌عنوان یک بازیگر امنیتی‌ساز، با استفاده از تهدیدهای غیرنظامی سعی دارد با عادی‌سازی روابط و نزدیک شدن به کشورهای عرب رقیب ایران، سیستم توازن قوای جدید به نفع خود و به ضرر ایران را شکل دهد. توسعه مناسبات اعراب با اسرائیل می‌تواند سبب شکل‌گیری بلوک جدیدی در منطقه خاورمیانه متشکل از عربستان، اسرائیل، مصر، امارات، بحرین و اردن شود. شکل‌گیری

چنین بلوکی می‌تواند چالش‌های سیاسی - امنیتی و تهدید نوین منطقه‌ای را برای ایران ایجاد کند. از جمله این چالش‌ها می‌تواند بین‌المللی کردن مسائل مربوط به ایران و فضا سازی منفی علیه ایران؛ نظیر آنچه درباره مداخله ایران در جنگ یمن گفته می‌شود، باشد. به نظر می‌رسد، دیگر کشورها مثل عمان، کویت، قطر و عربستان، با فاصله زمانی مشخصی به عادی سازی روابط خود با اسرائیل مبادرت خواهند کرد و سپس حرکت آن‌ها در کشورهایی مانند مغرب و سودان پی گرفته خواهد شد؛ به طوری که عادی سازی رابطه با اسرائیل، خود به صورت امری عادی درآید (زیدآبادی، ۱۳۹۹: ۳-۱). تهدیدهای منطقه‌ای نوین، نه تنها انعکاس فرایندهایی بحران ساز در حوزه‌های محیط پیرامون و فرایرهمون جمهوری اسلامی ایران بوده، بلکه می‌توان آن را در قالب نشانه‌هایی از دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه نیز مورد ملاحظه قرار داد. عادی سازی روابط، تحولات جدیدی را هم از لحاظ سیاسی و هم امنیتی در منطقه ایجاد می‌کند. نزدیک شدن به مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و احتمال حمله نظامی به متحدان ایران به خصوص حزب‌الله لبنان و شکل‌گیری دومینوی عادی سازی روابط، دو پیامد منفی عادی سازی روابط اعراب با اسرائیل محسوب می‌شود (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹: ۶). بنابراین باید دید که ایران در مقابل این عادی سازی روابط، چه راهبرد امنیتی و الگویی را اتخاذ می‌کند؟ یا استراتژی سیاست خارجی ایران برای تقویت جایگاه خود در توازن قوای منطقه‌ای چیست؟ آیا حفظ وضع موجود را در سیاست خارجی خود اتخاذ می‌کند یا به تحولی درونی یا بیرونی اقدام می‌کند؟ در این رابطه، با توجه به این که ایران هدف اصلی این عادی سازی روابط است و آمریکا در رأس رهبری این عادی سازی است و از طرف دیگر، اسرائیل با افزایش مشروعیت خود، خواهان نزدیک شدن به مرزهای ایران و منزوی ساختن آن است تا با استفاده از این کشورها، به امنیت ملی ایران ضربه بزند. این مسأله به خودی خود می‌تواند حساسیت ایران را برانگیزد و سبب تشدید هرچه بیشتر منازعات در منطقه و الگو و راهبرد رقابتی با اسرائیل و آمریکا شود. قبل از پرداختن به نتیجه نهایی پژوهش در جدول زیر، ارتباط میان نظریه با متغیرهای اساسی تحقیق در تحلیل پایانی مورد اشاره قرار می‌گیرد:



نتیجه گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر، بررسی، تجزیه و تحلیل عادی سازی توسعه مناسبات اعراب و اسرائیل و پیامدهای توسعه عادی سازی این مناسبات بر محیط امنیتی ایران (۲۰۲۱، ۲۰۱۰) بوده است. با توجه به چارچوب نظری پژوهش (نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای)، محیط امنیتی پیچیده خاورمیانه، روند تحولات سیاسی ژئوپلیتیک، تغییر الگوهای دوستی و دشمنی، توسعه و گسترش حضور و نفوذ کشورهای فرامنطقه ای چون آمریکا، به نظر می رسد، اهداف اسرائیل از توسعه مناسبات با اعراب؛ چون (مهار ایران، غلبه بر مشکلات داخلی، استفاده از شکاف های موجود میان کشورهای اسرائیل، افزایش فشار بر گروه های فلسطینی بویژه حماس، برای تسریع فرآیند صلح) و اهداف اعراب از توسعه مناسبات با اسرائیل؛ چون (ناکامی های متوالی اعراب در برابر اسرائیل، جلب رضایت آمریکا، جلوگیری از هژمون شدن ایران در منطقه، فاصله گیری از ایدئولوژی محافظه کارانه، افزایش مراودات اقتصادی، فائق آمدن بر مشکلات داخلی و بین المللی، ایجاد توازن قوا با سایر قدرت های منطقه)، طی سال های اخیر، پیامدهای خاصی بر محیط امنیتی منطقه ای ایران؛ چون تلاش اسرائیل برای ایجاد سیستم توازن قوای جدید به نفع خود و به ضرر ایران، شکل دادن به تهدیدهای نوین منطقه ای بر علیه ایران، تجدید قوای افراطی و رادیکال در منطقه، از طریق حمایت های مالی و نظامی اسرائیل و آمریکا، کارشکنی های کشورهای منطقه در ایجاد یک رژیم، ترتیبات امنیتی پایدار و توسعه حضور و نفوذ آمریکا در منطقه و شکل دادن به یک نظم پساداعشی در غیاب ایران داشته است.

با توجه به تحولات جدید احتمالی پس از انتخابات آمریکا و روی کار آمدن دموکرات‌ها به رهبری جو بایدن، محتمل است در ارتباط با موضوع فوق‌الذکر، تحولاتی روی دهد؛ اگرچه به نظر نمی‌رسد فرآیند عادی‌سازی متوقف گردد، اما تحت تأثیر ملاحظات منطقه‌ای؛ از جمله نگرش راهبردی آمریکا در منطقه، احیای مذاکرات برجام، شکل‌گیری مرحله جدیدی از دیپلماسی در مناسبات میان ایران و اعراب و همچنین احتمال تقویت یک استراتژی منطقه‌ای جهت حل و فصل بحران‌هایی؛ از جمله یمن و ... قرار خواهد گرفت که به نظر می‌رسد با توجه به حمایت ذاتی و تعهد به حفظ امنیت اسرائیل در آمریکا، فارغ از ماهیت حزبی دولت (جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها) از یکسو، و همچنین تعهد به حفظ امنیت اعراب به‌عنوان متحدین منطقه‌ای ایالات متحده و موازنه‌گر قدرت در خاورمیانه در طول سالیان طولانی، هرچند با سبک و سیاق متفاوت، تغییرات ملموسی در سیاست خارجی آمریکا در حمایت از این موضوع اتفاق نیفتاده است، اما آنچه که در کنار این پیامدها مهم به نظر می‌رسد، مربوط به چگونگی دیدگاه‌های دولتمردان و سیاستگذاران ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور است که به چه استراتژی و تحول درونی و بیرونی در مقابل مدیریت این پیامدها مبادرت خواهند ورزید؟ در این پژوهش، چند راهکار و پیشنهاد، برای مدیریت و کاهش پیامدهای توسعه مناسبات مطرح می‌شود که به صورت تیتروار به آن اشاره خواهیم کرد:

- ۱- اصلاح نگرش‌ها؛ به معنای تعامل با واقعیت‌ها
- ۲- درست‌اندیشی و تفکیک بین تصورها و ایده‌آل‌ها با مسائل و اولویت‌ها
- ۳- تلاش برای ایجاد ائتلاف منطقه‌ای؛ بخصوص با عربستان با اقداماتی پیش‌گیرانه و نگاهی تعامل‌گرایانه
- ۴- ایجاد نوعی موازنه در حوزه منطقه‌ای، به موازات تعامل‌گرایی فرامنطقه‌ای
- ۵- تعادل بین همکاری‌های منطقه‌ای و بازدارندگی تهدید از منطقه
- ۶- روی آوردن به متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ از جمله ترکیه و اتحادیه اروپا برای تحکیم امنیت اقتصادی و سیاسی
- ۷- اتخاذ راهبرد تسلیحاتی و امنیتی متناسب با تهدیدها و محیط امنیتی

کتابنامه

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و سیمبر، رضا (۱۳۹۷)، *سیاست و حکومت در خاورمیانه*، تهران: انتشارات سمت.
- ایوب، محمد (۱۳۹۶)، *خاورمیانه در آستانه فروپاشی*، ترجمه: شیدا سرمدی، تهران: انتشارات آوند دانش.
- آدمی، علی، نظیفی، نازنین و بیژن، عارف (۱۳۹۷)، اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدیدی از همکاری دو جانبه، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۷(۴): ۱۸۹-۲۱۶.
- اختیاری امیری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹)، ائتلاف دوفاکتو عبری - عربی و امنیت ملی ج.ا. ایران. *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۹(۱): ۱۰۱-۱۲۵.
- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۶)، تأثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه. *فصلنامه پژوهشی - سیاسی جهان اسلام*، ۷(۳): ۱-۳۴.
- اسمیت دیون، کرسستین (۱۳۹۷)، «نسل جدید پادشاهان و پ. یایی‌های جانشینی در کشورهای عرب خلیج فارس»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، نشر: بنیاد کشورهای عرب خلیج فارس در واشنگتن.
- اسدی، رضا (۱۳۹۹)، «درباره رژیم امنیتی خاورمیانه»، قابل مشاهده در: <http://fdn.ir/19178>.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- بوزان، بری و ویور، الی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه: رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری، هانسن، لئه (۱۳۹۹)، *سیر تحول مطالعات امنیت بین‌الملل*، ترجمه: نوذر نظری، تهران: لوگوس.
- بیدالله خانی، آرش؛ کلمرزی، علیرضا (۱۳۹۲)، چالش‌های استراتژیک میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نمودی از بازیابی رقابت ایران و عربستان؛ راه حلی اقتصادی. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، ۲(۶): ۱۴۹-۱۷۳.
- پوراسمعیلی، نجمه (۹۹۳۱)، *چشم‌انداز عادی‌سازی روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با رژیم صهیونیستی؛ زمینه‌ها و پیامدها*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پک، جیسون، (۳ شهریور، ۱۳۹۹)، «توافق امارات - اسرائیل؛ دستور سیاست خارجی ترامپ در ازای آزادی عمل اماراتی‌ها در لیبی»، قابل مشاهده در: <https://www.isna.ir/news/9906030262>.

«توافق بحرین و اسرائیل به نفع چه کسانی تمام خواهد شد؟»، (۲۳ شهریور، ۱۳۹۹)، قابل مشاهده

در: <https://www.khabaronline.ir/news/1431927>

«تأثیر توافق امارات و رژیم صهیونیستی بر تعمیق اختلافات در خاورمیانه»، (۱۳۹۹)، قابل

مشاهده در: <https://www.scfr.ir/fa/200/12686>

«تمایل سه کشور عربی برای همکاری با اسرائیل در زمینه کرونا»، (۱۳۹۹)، قابل مشاهده در:

www.irna.ir/news/83782793

جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴)، *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

حافظ‌نیا، محمد رضا؛ ربیعی، حسین. (۱۳۹۲)، *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*. تهران: انتشارات سمت.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.

رسول ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۳)، *درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصلاحات روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات تیسرا.

روحی دهبه، مجید. (۱۳۹۶)، *خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ میلادی*، بحران دولت ملی و نظم منطقه‌ای، *نشریه دولت پژوهی*، ۳(۱۲): ۷۱-۱۰۵.

روحی، مجید (۱۳۹۵)، *تراژدی منطقه‌گرایی در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

رفیع، امین (۷ تیر، ۱۳۹۷)، «*ایران و عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل*»، قابل مشاهده در: <http://www.iirjournal.ir/fa/1-3>.

زاده علی، مهدی؛ سعید زاده، دلیر (۱۳۸۸)، *ایران - اسرائیل: موازنه نابرابر، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، اسرائیل‌شناسی - آمریکا*، ۱۱(۱): ۶۷-۸۹.

زیدآبادی، احمد (۲۴ مرداد، ۱۳۹۹)، «*تحلیل توافق امارات و اسرائیل*»، قابل مشاهده در:

<http://www.ensafnews.com/251917/>

زبردست، میلاد (۱۳۹۷)، *سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل در قبال محور مقاومت*، پژوهش ملل، ۳(۳۵): ۱۰۵-۱۲۴.

سازمند، بهاره؛ جوکار، مهدی (۱۳۹۵)، *مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویش‌ها، الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس*، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، ۱۲(۲): ۱۵۱-۱۷۷.

سازمند، بهاره، (۲۶ دی، ۱۳۹۵)، «*مجموعه امنیتی بری بوزان مدل استاندارد برای مطالعه خلیج فارس*»، قابل مشاهده در: <https://www.mehrnews.com/news/3877067>.

شهابی، سیف الرضا (۱۳۸۷)، *دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس*، تهران: انتشارات اطلاعات.

شجاع، مرتضی (۱۳۸۸). بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه: با تاکید بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره چهارم، صص ۲۱۲-۱۹۵.

شهبازی، الهام (۱۳۹۳)، ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه، فصلنامه خردنامه، شماره ۱۲، صص ۱-۲۲.

طباطبایی، سیده نجمه؛ طباطبایی، سیده نسرین؛ عطارد، مهدیه سادات (۱۳۹۷)، طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه انتشاراتی آفتاب گیتی.
طاهری، زهرا؛ هاشمیان فر، سید علی؛ نعمت الهی، زهرا (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی امنیت و احساس امنیت، نشر: جامعه‌شناسان.

طهماسبی، فرزانه (۱۳۹۲)، نظریه مجموعه امنیتی منطقه و تداوم بحران در خاورمیانه، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
عارف، بیژن (۱۰ شهریور، ۱۳۹۹)، «بررسی توافقنامه اسرائیل - امارات متحده عربی و پیامدهای آن برای ایران»، قابل مشاهده در: <http://www.css.ir/fa/content/125397>.

عباسی خوشکار، امیر (۴ شهریور، ۱۳۹۹)، «عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی؛ پیامدهای سیاسی، امنیتی و نظامی»، قابل مشاهده در <https://csr.ir/fa/news/1047>.
عمادی، سید رضی (۱۷ مرداد، ۱۳۹۷)، «عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با عربستان سعودی و تأثیر آن بر امنیت ایران»، قابل مشاهده در:

<http://npps.ir/articlepreview.aspx?id=182255>.

فرجی راد، عبدالرضا، شاملو، رضا (۱۳۹۹)، واکاوی اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ، موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، (۷): ۲۴۹-۲۷۸.

لوییس، برنارد (۱۳۹۶)، دو هزار سال تاریخ، از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: نشر نی.

لیک، دیوید ای و پاتریک ام، مورگان (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای: امنیت‌سازی در جهانی نوین، ترجمه: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
لطفیان، سعیده (۱۳۹۵)، دیدگاه راهبردی اسرائیل و برآورد تهدید امنیتی آن برای خاورمیانه، فصلنامه سیاست، (۱): ۴۷-۱۷۹-۲۰۰.

مسجد جامعی، محمد (۱۳۹۵). ایران و جهان عرب، تهران: انتشارات اطلاعات.
ملکی، محمدرضا؛ محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹)، چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل، فصلنامه مطالعات بین‌الملل، (۳): ۴۵-۶۴.

موسوی فر، رضیه (۱۳۹۵)، روابط ایران و آمریکا و مسأله اسرائیل، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۷(۱۴): ۴۹۷-۵۱۴.

مرادی، اسدالله، شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۹۴)، بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشی راهبردی سیاست، ۴(۱۵): ۱۲۶-۱۵۷.

نظری، نوزاد (۱۳۹۷)، سیاست امنیتی ایالات متحده، کرمانشاه نشر: تلیاب.

نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۹)، خاورمیانه پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نورمحمدی، مرتضی؛ فصیحی دولتشاهی، محمد عارف (۱۳۹۷)، کاربرد نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای در تحلیل مسائل والگوهای روابط در جنوب آسیا، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۲): ۱۵۲-۱۸۳.

نجات، سیدعلی (۱۳۹۷)، «تسریع روند عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عربی؛ دلایل و پیامدها»، قابل مشاهده در: risstudies.org

References

- Abbasi Khoshkar, Amir (September 25, 2016), "Normalization of relations between the United Arab Emirates and the Zionist regime; Political, security and military consequences ", can be seen at <https://csr.ir/fa/news/1047/>.
- Abolhassan Shirazi, Habibaullah, The Victim of the Sheikh, Arsalan and Simber, Reza (2015), Politics and Government in the Middle East, Tehran: Samat Publications(in Persian).
- Adami, Ali, Nazifi, Nazanin and Bijan, Aref (2018), Israel and Saudi Arabia: A New Era of Bilateral Cooperation, Quarterly Journal of Strategic Policy Research, No. 7, pp. 189-216. (in Persian)
- Arab center for Research and Policy Studies(ACRPC), Arab Opinion Index 2017-18 Full Report(May 2018), accessed on 16/7/2020 at: <https://bit.ly/2YQ3WYN>
- Aref, Bijan (September 1, 2016), "Study of the Israel-UAE Agreement and its Consequences for Iran", available at: <http://www.css.ir/fa/content/125397/>.
- Asadi, Reza (2020), "On the security regime in the Middle East", can be viewed at: <http://fdn.ir/19178>. (in Persian).
- Ayub, Mohammad (2017), The Middle East on the verge of collapse, translated by Sheida Sarmadi, Tehran: Avand Danesh Publications. (in Persian)
- Barzegar, Kayhan (2008), Iran, New Iraq and the Political-Security System of the Persian Gulf, Tehran: Vice President for Foreign Policy Research, Center for Strategic Research. (in Persian).
- Bidullah Khani, Arash; Kalmarzi, Alireza (2013), Strategic challenges between Iran and the Persian Gulf countries, a manifestation of the recovery of Iran-Saudi Arabia competition; Economic solution. Persian Gulf Cultural and Political Studies Quarterly, 2 (6): 149-173. (in Persian).
- Bozan, Bari, Hansen, Lene (2021), The Evolution of International Security Studies, translated by Nozar Nazari, Tehran: Logos.

- Bozan, Barry and Weaver, Eli (2009), *Regions and Powers*, translated by Rahman Ghahramanpour, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
December 2019, Ofir Winter, ed., *Nothing is Forever Existential Threats to the State of Israel* (Hebrew)
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal (2014), *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Samat Publications. (in Persian).
- Ekhtiari Amiri, Reza (2017), *The Impact of the Syrian Government's Fragility in Changing Middle East Security Interactions*. *Islamic World Political-Research Quarterly*, 7 (3): 1-34. (in Persian).
- Ekhtiari Amiri, Reza; Rashidi, Ahmad; Soltanian, Abdullah (2020), *the de facto Hebrew-Arabic coalition and national security of the Islamic Republic of Iran*. *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 9 (1): 101-125. (in Persian)
- Emadi, Seyed Razi, (August 8, 2015), "Normalization of Zionist regime relations with Saudi Arabia and its impact on Iran's security", can be seen in: <http://npps.ir/articlepreview.aspx?id=182255>.
- Faraji Rad, Abdolreza, Shamloo, Reza (2021), *Analysis of the goals and components of Trump's peace plan, called the deal of the century and its impact on the regional position of the Resistance Front*, *Bi-Quarterly Journal of Politics and International Relations*, 4 (7): 249- 278. (in Persian).
- Gordon, f.j. (2017) *israel, the arab states, and the illusions normalization*, published by institute for national security studies, <http://jastor.org/istable/resrep08456>.
- Hafizunia, Mohammad Reza; Rabiee, Hussein (2013), *Regional Studies of the Persian Gulf*. Tehran: Samat Publications. (in Persian).
- Jafari Valdani, Asghar (2015), *Challenges and Conflicts in the Middle East*, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Jamei Mosque, Mohammad (2015). *Iran and the Arab World*, Tehran: Information Publications.
- Lake, David E. and Patrick M., Morgan (2002), *Regional Regulations: Security in the New World*, translated by Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi, Tehran: Research Institute for Strategic Studies.
- Lewis, Bernard (1396), *Two Thousand Years of History, from the Rise of Christianity to the Present*, translated by Hassan Kamshad, Tehran: Ney Publishing.
- Lotfian, Saeedeh (2016), *Israel's Strategic Perspective and Estimating Its Security Threat to the Middle East*, *Politics Quarterly*, 47 (1): 179-200. (in Persian).
- Maleki, Mohammad Reza; Mohammadzadeh Ebrahimi, Farzad (2021), *The Perspective of Middle East Peace in the Shadow of the Normalization of Arab-Israeli Relations*, *Quarterly Journal of International Studies*, 17 (3): 45-64. (in Persian).
- Moradi, Assadollah, Shahramonia, Amir Massoud (2015), *The Syrian Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran*, *Strategic Policy Research Quarterly*, 4 (15): 126-157. (in Persian).

- Mousavifar, Razieh (2016), Iran-US Relations and the Israel Issue, Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 47, Number, 514-497. (in Persian).
- Nabavi, Abdolamir (2010), Middle East Research, Tehran: Imam Sadegh University Press. (in Persian).
- Nazari, Nozad (2018), US Security Policy, Kermanshah Published by: Talyab. (in Persian).
- Nejat, Seyyed Ali (2018), "Accelerating the process of normalization of Israeli relations with Arab countries; Causes and Consequences », visible in: risstudies(in Persian).
- Noor Mohammadi, Morteza; Fassihi Dolatshahi, Mohammad Aref (2015), Application of Regional Security Theory in Analyzing Patterns and Patterns of Relations in South Asia, Quarterly Journal of Political and International Approaches, Volume 10, Number 2, pp. 183-152. (in Persian).
- Pack, Jason, (September 3, 2016), "UAE-Israel Agreement; The achievement of Trump's foreign policy in exchange for the freedom of action of the Emirati people in Libya ", can be seen in:<https://www.isna.ir/news/9906030262>
- Pourasmaili, Najmeh (2020), Perspectives on the normalization of relations between the member countries of the Persian Gulf Cooperation Council and the Zionist regime; Backgrounds and Consequences. Tehran: Abrar Institute for Contemporary International Studies and Research. (in Persian).
- Rafi, Amin (July 28, 2016), "Iran and the normalization of Arab-Israeli relations", can be viewed at: <http://www.iirjournal.ir/fa3-1>. (in Persian).
- Rasoul Thaniabadi, Elham (2014), An Introduction to the Most Important Concepts and Reforms of International Relations, Tehran: Tisa Publications. (in Persian).
- Rohi Dehbneh, Majid. (2017), The Middle East after the developments of 2011, the crisis of the national government and regional order, Journal of State Research, 3 (12): 71-105. (in Persian).
- Rouhi, Majid (2016), The Tragedy of Regionalism in the Middle East, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. (in Persian).
- Sazmand, Bahareh, (December 17, 2016), "Beri Bozan Security Model Standard Model for Studying the Persian Gulf", can be viewed at: <https://www.mehrnews.com/news/3877067>. (in Persian).
- Sazmand, Bahareh, Jokar, Mehdi (2016), Regional Security Collection, Dynamics, Patterns of Relations between the Persian Gulf Countries ", Geopolitical Quarterly, 12 (2): 151-177. (in Persian).
- Shahabi, Seif al-Reza (2008), Perspectives of the Persian Gulf Cooperation Council, Tehran: Information Publications. (in Persian).
- Shahbazi, Elham (2014), Iran and Israel from Cooperation to Conflict, Kheradnameh Quarterly, No. 12, pp. 1-22. (in Persian).
- Shoja, Morteza (2009). Examining the goals and effects of NATO presence in the Middle East: with emphasis on the security of the Islamic Republic of Iran.

- Quarterly Journal of Political and International Research, No. 4, pp. 212-195. (in Persian).
- Smith Dion, Christine (2018), "The New Generation of Kings and the Dynamics of Succession in the Arab Gulf Countries", Center for Presidential Strategic Studies, Published by: The Arab Gulf Countries Foundation in Washington (in Persian).
- Tabatabai, Seyedeh Najmeh; Tabatabai, Seyedeh Nasrin; Mercury, Mahdieh Sadat (2015), The Greater Middle East and Security Plan of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Aftab Giti Publishing Institute. (in Persian).
- Taheri, Zahra; Hashemianfar, Seyed Ali; Nematollahi, Zahra (2016), Sociology of Security and Sense of Security, Published by: Sociologists. (in Persian).
- Tahmasebi, Farzaneh (2013), Theory of Regional Security and the Continuation of the Crisis in the Middle East, Master Thesis in International Relations, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. (in Persian).
- The desire of the three Arab countries to cooperate with Israel in the field of Corona", (2020), can be viewed at: www.irna.ir/news/83782793
- The Impact of the UAE-Zionist Agreement on Deepening Differences in the Middle East", (2016), available at: <https://www.scfr.ir/fa/200/12686>
- Who will benefit from the agreement between Bahrain and Israel? (September 13, 2021), can be viewed at: <https://www.khabaronline.ir/news/1431927>
- Zadeh Ali, Mehdi; Saeedzadeh, Delbar (2009), Iran - Israel: Unequal Balance, Quarterly Journal of Regional Studies, Israelology - USA, 11 (1): 67-89. (in Persian).
- Zbardast, Milad (2018), Israel's foreign and security policy towards the axis of resistance, Research of Nations, 3 (35): 105-124.
- Zeidabadi, Ahmad (August 15, 2016), "Analysis of the UAE-Israel Agreement", can be viewed at: <http://www.ensafnews.com/251917/>